

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ روزنامه‌هایی که درین روزها
از لندن پای تخت انگلیس دو شنبه میست
رجب بود در یکشنبه دوم ماه رمضان بدار انجلیس
طهران رسید که در مدت سی و سه روز روزنامه
لندن بطهران آمده است آشنای دولت انگلیس بنا
داشته اند که ایچی مملکت سیام روانه نمایند
که عهد نامه تجارت و دوستی و یگانگی مابین دولت
انگلیس و آنولایت ببندند بعضی ممالک معمر که
آبادی زیاد دارند و پر دولت اند مابین هندوستان
و چین واقع اند اما اینها بابل دول خارجه از هر طرفه
و ملتی که باشند صفا و تراوده ندارند و نمیکند از آنکه در
ولایتشان بشوند و لکن مملکت سیام از قرار یک استیاجان
نوشته اند قانونشان بخلاف ممالک آن اطراف
سردمانی مهربان و غریب دوست اند خصوصه پادشاه
انها که نسبت بستیاجان از هر طرفه و هر ملتی که با آنها
رفتند از انقادات زیاد کرده است ولایت مزبور
در بعضی از قوانین و مذاهب بطریقه اهل چین میباشد
ولایتشان بسیار آباد است و تجارت عمده دارند
و شهرهای معمر و رودخانههای زیاد و رودخانه چنان
بزرگند که کشتی در آنها عبور میکند

حال بایه زیان و ضرر شده است بسبب اشک و غایب
و صنعت کاران از زراعت و صنعت خود کشیده
و همه بطل طلا و آوردن مشغول گردیده اند و این سبب
قیمت اجناس بسیار زیاد و آنولایت ترقی کرده است
و در حینت که مردم بسیار تنگی عیشت میکنند
راست است که در اندک مدت مردمان دیگر آنولایت
خواهند رفت و آنقدر جمعیت آنها خواهد شد که هر شغل را
توانند راه پیرزدا اما جمیع در آنجا فراموش باید
بچندین سبب بابل آنجا بدخواهد که شت و
و گذشته از اینهم وزدی و حیثیابی زیاد شده است
و درین روزنامه انگلیس نوشته اند که موافق قاعده
و قانون دولت انگلیس کل املاک غیر معمولی پادشاه
و دیگران حق آنرا ندارند که در آنجا زراعت بکنند یا
در بیابانها و زمینها کار دیگر بکنند اگر چه دیوانیان مانع
رفتن مردم با آنجا که طلا در می آورند نشده اند اما موافق
قاعده آنولایت این اشخاص در آن زمین بی اذن آن
دولت حق ندارند و بسیار بهتر میباشد اگر دیوانیان
قراری میکنند استند که از اشخاصی که با آنها میروند
باشم اجاره یا کرایه یا اگر یک مبلغ خبری میگیرند
که اخراجات فسون نموده نظم درست در آنولایت بکنند

روس

درین روزنامهها نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور
بشهر ویسنگه پای تخت ممالک استریه آمده بود و بتاریخ
بیت و دویم ماه رجب از آنجا بست شهر تراک
روانده شد که بیدین امپراطور سابق ممالک استریه

برود و از آنجا روانه شهر و زردن شده است در آنجا
چند وقت بنا دارد و وقت بکند و بعد از آن
روانه وارثش پای تخت ملکت می شود و در ماه ژو
عیسوی که بتاریخ اسلام از سیزدهم رمضان تا
سیزدهم شوال می شود بشهر پائین می آید که از آنجا
امپراطورین همراه خود برداشته بولاد روس می آید

فرانس

تقسیم کردن شکل عقاب در روی چوب بید قهاری
دولت فرانس که تفصیل آن در روزنامه گذشته
نوشته شد بکمال آرامی و نظم در پاریس پای
فرانس قرار گرفته است و بعد از آن صاحب منصبان
قشون مهمانی عظیم با آرایش تمام سجد لوی ناپلیان
رئیس دولت فرانس کرده اند و در زینت و
آنچه ممکن بوده است در آن مهمانی معمول داشته
ازین فقره معلوم می شود که چه قدر مهمانی سنگین
بوده است که بیت و چهار هزار شمع کافوری
در آنجا روشن کرده بودند و سایر اسباب
مهمانی را ازین اندازه قیاس نماید نمود انواع گلها
غزیه معطر و بهترین موز و کاجیان فرانستان و سایر
اساس را با زینت تمام حاضر کرده بود

بنا دارند درین روزها شصت هزار قشون در جای
وسط ملکت فرانس جمع آوری نمایند بجهت
میکویند که خود لوی ناپلیان سرگردانی باین قشون
خواهد کرد

در یکی از روزنامه های پاریس در باب امورات فرانس

با بی نظیر نوشته اند که پرنس لوی ناپلیان بنا دارد
که بعد از اندک مدت که کار آن ولایت درست نظم گیرد
کل اهل فرانس را در یک در شهر باد بلوکات خود نشان
جمع نماید و از آنها سؤال و تحقیق بشود که سجد پادشاه
فرانس که را اختیار خواهند کرد آیا لوی ناپلیان
بلقب امپراطوری می خواهند یا امپراتری سینگ را که
از اولاد قدیم پادشاهان فرانس است می خواهند که

موافق پادشاهان سابق در آن ولایت پادشاهی نماید
در کدام را که خلق اختیار نمایند پادشاه باشد

مطلبی غریب در خصوص یکی از دیوانیان فرانس بروز
کرده است یکی از حکام شهرهای گسست جنوب فرانس
در وقتی که معضرتین را گرفته بوده است از ایشان
پول بر سونت می گرفته است که وساطت آنها را
در نزد انسانی دولت نماید اول دیوانیان قبول نکردند
که حاکم مزبور چنین عملی کرده باشد اما چون کمپاری
از معضرتین که مجبوس کرده بباخراج فرستاده شده
بودند این مطلب را مذکور نموده بودند حال حاکم مزبور
گرفته و مجبوس کرده اند تا درین باب تحقیق شود

احوال است متفرقه

در یکی از جزایر سندوچ کوه سوزنده است درین روزها
مازه آتش و سنگ که اخته از او بیرون آمده است
بطوری که گویا در روی زمین چسبن کوه سوزنده با بقدر
آتش شعله و فلز که اخته تا بحال دیده شده است
از قدر تقریر سببها جان که آن گسست رفته اند
میکویند که این معدن بطوری که اختگی وارد که از سرخی گذشته

و بعضی میزند مانند آب که از فوار جستن نماید
از سه کوه بیرون می آید و در لیت وزع بلند شود
و تخمیناً بقدر بیست و پنج وزع قطراست و از آنجا
مانند رودخانه از کوه پیاپین جاری می شود و در بعضی جاها
ربیع فرسخ عرض دارد و در آنجا که از سی وزع تا هشتاد
وزع عمق دارند پر کرده است و باز هم پیش می رود
جنگلهای که از ابتدای وین تا بحال بوده اند در زیر این
آتش جاری مانند علف خشک که به بخاری میفتد
سوخته شده اند درختهای بسیار بزرگ مانند غلغلی
که بدم داس در تو کربیع در دم این آتش افتاده
و سوخته اند بسیار خانه ها از امالی آن سوخته
شده اند اما تا بحال نوشته اند که کسی در بین آتش
تلف شده باشد در سر این کوه جانی حالی
بود و معلوم می شد که دود و بخار از آنجا متصاعداً
می شود و این کوه که سوزنده است و درست خاموش
نشده است اما این آتش تازه از آن جای آتش قدیم
بیرون می آید است ارتفاع این کوه که از او آتش جاری
بیرون آمده است نوشته اند که از سحر محیط دو هزار و
وزع بلند تر است نوز این آتش از آنجا که جاری
بود باز رسیده است اما اگر اینطور پیش برود آخر
سحر محیط خواهد رسید

سست جنوب یعنی از نصر علیای آید و از آنجا که از
بیابان بی آب و علف در یک زار می آید بسیار
می شود و یکی دیگر از سست شمال می آید چونکه از سست
سحر محیط که در آنجا آق دیکه بسیار است میوزد خشک است
در روز زلزله و این دو باد در نزدیکی پای تخت می رسد بگر
رسیده و بعد برق و طوفان زیاد شده بود درختها
و در باغ شوبره از بیخ کنده و تکرک زیاد نیز آمده بود
هیچکس درین فصل چنین طوفان و تکرکی در آنجا
بیاد نداشته است

در مملکت فرانسه زنی هست که هفتاد و پنج سال دارد
و با وجود سن زیاد بسیار بازی میکند چند سال
پیش ازین از همین کار پول زیاد جمع کرده و این سکه ها
ترک کرده بود بعد برادرش مفروض شده بود و عرض
برادرش را داده و دوباره کار رفاهی و بسیار بازی
پس گرفت و از آنوقت تا بحال همین کار مستول است
چند سال پیش ازین بولایت اسپانیول رفته و بعد
سه هزار تومان پول ایران در آنجا جمع کرده بود
و باز میخواست ازین کار دست بکشد و بگوشه می نشست
این بازم وزان در راه با و پر خورده پولش را
گرفت در ایام جوانی این زن امیر بطور نامیانی او را
بسیار دوست میداشت بک وقتی بی پول شده
عرضه بنا پیمان نوشته بود و نامیانی ده هزار فرانک
که هزار تومان پول ایران میباشد بجهت او رسانده بود
حساب غلام و کنیز بسیار که از مغرب زمین سحر برده بودند

۴۳۷

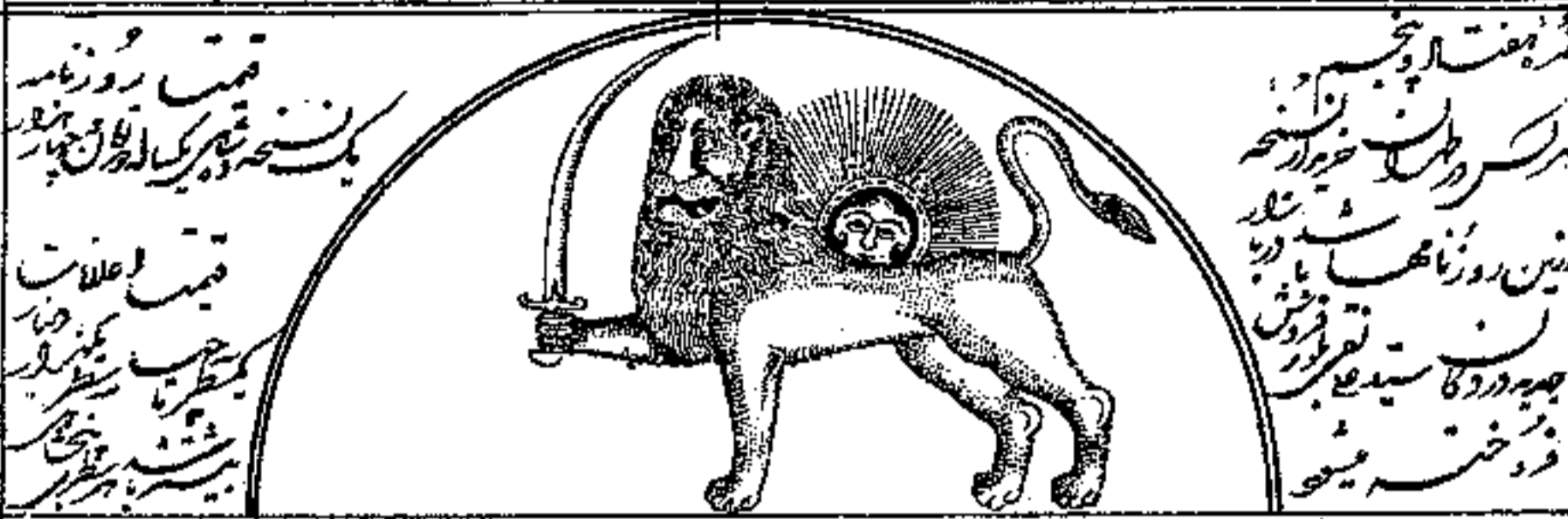
آورده اند در پان دهم سال گذشته درین روزها
 باینطور نوشته اند که در سنه ۱۸۴۲ هجری ۶۳ غلام
 و کنیز در سنه ۱۸۴۳ (۱۰۰۰ و در ۱۸۴۴) (۱۰۰۰ و در ۱۸۴۵)
 ۱۳۰۰ و در ۱۸۴۶) (۴۱۹ و در ۱۸۴۷) (۱۲۵۰ و در ۱۸۴۸
 ۱۵۰۰ و در ۱۸۴۹) (۸۷۰۰ و در ۱۸۵۰) (۳۵۰۰ و در ۱۸۵۱
 که پارس سال میباشد ۵۰۰ کنیز و غلام آورده اند
 معدن کلی فارسیا باز موافق سابق کار میکند و طلای زیاد
 از آنجا در می آورند اما چونکه ما پهن دولت متشکی دنیای
 شمالی که صاحب آن ولایت هستند بعضی از اهل
 دول خارج که رفته اند و در آنجا کار کرده و طلا بیرون
 آورده اند گفتگونی در سر اجاره زمین معدن نمبر نوشته
 کمان است که قراری تازه درین باب گذاشته شده
 بسیاری از مردم که با آنجا رفته و اسباب بسیار
 خود با آنجا برده اند که سنگ سفید را مانند سنگ
 چاق خورد نموده طلا از آن بیرون بیاورند حال این
 سنگ را از معدن چپا میخرند بقیمت ارزان
 و طلا از او بیرون می آورند و باینطور منفعتی بر نتیجه خود
 حاصل نمیکنند از آنکه خودشان از معدن در آورده و
 جمع میکنند
 میکنند که شخصی در ملک نشسته چیزی اختراع کرده است
 که کندم را طوری می کنند که هر قدر بخواهند بکار آورند
 عیب نمی کند و بعد از چند سال از برای آوردن و خوردن
 یا از برای کاشت مثل سال اول بکار میخورد و هیچ
 تفاوتی نمی کند از اتمای دیوان آنجا مجلسی تعیین

آورده اند که درین باب تخمین بشود و اگر راست باشد
 چونکه بکار خاص و عام بسیار خواهد خورد و انعام زیاد باین شخص
 میدهند
 در روزنامه مندوستان نوشته اند که بتاریخ دویم ماه ریح
 در ملک کوچ که چسبیده بولایت سند است زلزله سخت
 و چهل و پنج ثانیه طول کشید بود در سمت دست مسوول
 آنجا چندان خرابی کرده اما در کوه های برزی خرابی زیاد
 کرده و سیصد و چهل نفر در آنجا تلف شده اند و اکثر
 خانهای شهر کن خراب شده است پارچهای سنگ از
 کوهها پائین افتاده اما منتفی که با آن ولایت رسانده است
 که رودخانه کوچکی از آن ولایت جاری بود حالا آبش بسیار
 و زراعت آن ولایت را بسیار زیاد کرده است و تا بیت و پنج
 فرسخ اطراف آنجا زلزله گرفته و حرکت زمین معلوم بوده است
 اما در شکار پور و شهرهای پنجاب اثری ازین زلزله معلوم نشده است

اعلانات

چون ایام ماه مبارک رمضان است و میباشین روزنامه نیر در موبک
 هابون میباشند کس از صاحبان روزنامه که در شهر
 یا در موبک هابون باشند موافق سابق روزنامه پانها بپرسید
 مگر اینکه بجهت ایام روزه عرض صبح پنجشنبه
 میرسانند و لکن اشخاصی که در سایر دعات شمیران
 منزل کرده اند چون رساندن روزنامه بانها
 و ایشان که روزنامه لغیر می کنند مقدور نیست بمانند
 اعلان می شود که این اشخاص که در موبک هابون منزل ندارند
 هر یک بیاشین روزنامه اخبار نمایند که روزنامه آنها کس
 و در بار هابون مشخص میکنند داده شود که بانها برسد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه هجری ماه رمضان المبارک مطابق سال سی و پنج شمسی



اجبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

در روز شنبه پانزدهم این ماه موکب مسایون
 اعلیحضرت پادشاهی از قصبه نیابوران
 به دارالخلافه طهران بجهت تفریح و تماشای نقاشی
 و بلور آلات و قطعات که تجار و اصناف و بیرون
 جرات و صحنه شش حضرت امامزاده زید علیه السلام
 چیده اند شریف فرما کردند چنانچه جلالت
 صدر اعظم و سایر مقربان دولت علیه و چاکران
 حضرت کردون لبقت سینه مکرّم کابنعت
 انساب مسایون بودند اصناف صنایع کار
 هر یک اسباب قطعه و خیر تازه که داشتند
 حضور در آوردند و هر کدام که مقبول و مستحسن نظر
 جایون افتاد خریداری فرمودند و فی الحقیقه از روز
 دوازدهم تا دهم و خورسندی تجار و اصناف و
 کسبه آنجا بودند که مسالغ کلی بلور آلات و اسباب
 قطعات و قبیل و قماش از آنها اکتساب فرمودند
 و ایمی سبب مغایرت و میاهات و رواج داد و ستد

و معاملات آنها کردید به شکرانه رفاه و امنیت
 و فاکوئی ذات اقدس جلایون پادشاهی اشتغال
 نمودند
 در روزنامه هفت گشته صفحه اول بروی سنگ
 با سه خانه درست بزکشته بود و با سه از اینکه
 خواسته بود روزنامه معطل نشود و بقاعده است
 پنجشنبه از دارالطباعت بیرون بیاید در شهر داده بود
 صفحه اول را کاتب دیگر مجدداً نوشته بود و کاتب
 در سطر شانزدهم ترک لفظ چون در وسط هفتم ترک
 نقطه مطلب را بخلاف بیان واقع نموده بود و آن در باب
 هرات بود که نوشته شده بود صفحات هرات از تحت
 اعلیحضرت پادشاهی حسن است تمام انسانی دولت
 بدون اشتغال نایزه حرب و قتال با سون عسکر و جدال
 با نظام آمد و کاتب نوشته بود که از حسن اتمام اولیای دولت
 قاهره و اشتغال نایزه حرب و قتال با سون عسکر و جدال
 امر آنجا منظم گردید لہذا تو صبیح میشود که ولایت زبور که
 مدتها از اختیار سلاطین ایران انار اقله برانهم بیرون

قیمت روزنامه
 یک نسخه ششریک در تهران
 قیمت و علالت
 یک خطریا
 بیست و پنج

رفقه بود و با فرستادن قشون و جنگ محاصره فتح
 بجهت آنها دست میداد درین اوقات آنحضرت علیه
 السلام حضرت پادشاهی بدون جنگ و نزاعی
 کل امانی و اعیان و مسموم خلق بیارت و آن اطراف
 بملاحظه امنیت و رفاهیت این دولت جاوید مدت انتظام
 و رعیت پروری علیحضرت قوی شوکت پادشاهی
 انقباض و وفای برداری را مانع مفاخرت و سبب
 رفاه و آسودگی خود دانست بهین و غیبت مستدعی
 چاکری و همیستی گردیدند و امانی این دولت علیه راجع
 مسافات و شکراناست که چنین ولایتی عمده این
 سهولت درین زمان ابد مقرون باز خصمیه دولت علیه کرد
 و امیدست که بعد ازین امانی انولایت نیز در پناه عافیت
 این دولت علیه در امنیت و رفاه باشند

این اوقات اهل شهر دارالمخلافه طهران بعلت قیامت
 و ریشگی بودند اولسای دولت تا هر چه است
 محض ملاحظه رفاه و آسودگی عموم خلق خاصه ضعیفان
 نادر روزگار در بند و آویزین را با یک ندرت
 آسب کرج بشهر رحمت نمودند و سخاوای نیز بجهت برین
 آسب محض ثواب از خود دادند که ازین بابت آن
 کسان و بیک وجهی مطالبه نشود و آب را
 جاری ساخته اند بیچ شتر کاوی اطراف آسب
 داخل شهر گردید با تمام آرد و ایها تا حضور بکار
 تا شهر و کلانتر و که خدایان و نایب فرستادن خاند
 فراستان در شهر و محلات بیجمع خانها آسب

تقسیم شده و همه آب بنبارها و حوضها پر از آب
 و همه خانها سیراب گردیده و همه مردم خاصه
 فقرا و عجزه ازین بهره کدر آسوده گردیده بدعا کونی ذات
 احدیس باین پادشاهی مشغول
 چون از نسبه کاری که نوکرهای دیوانی باید داخل زیاد درین
 خود بدین ملاحظه کرانی آن مال کار با تجارت میکند میباید چند
 مشایخ میشود که از آنجا بفرستند آن اظهار میکردند اول آنکه
 نوکرهای دیوانی معروض میکردند بجهت این بقرض واری ایشان
 منصب نوکری بالمره عاری بری میباند و احدی حوسب نیست
 منطوق منبیدارد ثانیاً در هر وعده که طلب تجارت خارجیه
 جنابان سفر اراغ می نمایند ایشان هم باقتضای تکلیف
 خدمتگذاری دولت و سرپرستی کتبه و عیال بطوری که
 در وصول طلب تجارت خود می نمایند که اولیای دولت علیه بجهت
 عاقبت کار بیرون و بخشش کند لا بد میشود یا طلب تجارت خارجیه
 از کینه دیوان اعلی بپسند و حال آنکه موافقین قاعده و انصاف
 و خلی دیوان ندارد باینکه باقتضای و رسوائی معروضین را بچگونگی
 خانه و اوضاعی که دارند بجهت تمام تقییب نازل فروخته و طلب تجارت
 خارجیه را اولیای نمایند و باینکه آنها را در حبس نگاه داشته تا که
 از مردن و تلف شدن آنها نداشتند باشند و بعد از نوکران
 صورت اعتبار و حالت نوکری افتاد و شغل خود را منحصراً ببدون
 دولت نمایند ثالثاً اگر از جانب جنابان سفر اجندان اصرار
 جانب اولیای دولت باقتضای بنا بپاره مواج حسابی بان
 تفصیل اتمام در وصول طلب تجارت خارجیه نشود در هر وعده
 خواه آنها نرسد از تجارت و کاسبی باز نماند بطوریکه
 نظر علیحضرت پادشاهیست تجارت رواج هم نمیدانند بجهت

رفع اینگونه معایب و مزایای نسبه کاری نوگرای دیوان
 هر چند قبل ازین قسم اولیای دولت علیه بقری دولت
 خارج بخلیف نموده اند که تجار خود قدغن نمایند که بنگران
 دیوانی نسبه فرود می بخشید این اوقات بموجب شروع
 دولتی مجتهد و انجلیف معینی را نموده خواست بر وقت است که
 تجار کسان خود را قدغن بلیغ نمایند که باز نوگرای دیوان
 و اشخاصیکه در شکست کسبه بنسبه کاری گنجینه
 و معاملات خود را با تجار مغرب کسان بر بار کاشان
 بیشتر و زیاد تر سازند منظور اولیای دولت ازین قرارداد
 این نیست که مردم از خریدن مال و اجناس دولتی
 احتراز نمایند و خلایق تجارت خارج برسد بلکه مقصود ازین
 قرارداد ترویج تجارت خارج میباشد که روز بروز منافع
 تجارتی بیفزاید و اموال تجار خارج از تضییع و تلف مصون
 محروس ماند و با وضع معینی باز هر یک از نوگرای دیوان
 و اعیان این مملکت معالیه تقدیرا با تجار خارج زیاد نمایند
 که دخل نسبه کاری نداشته باشد رضای خاطر
 اقدس اعلیحضرت پادشاهی را بعمل خواهند آورد

فارس صدر خدات شایسته نمایان شده و مرتب
 خدمتگذاری او را نواب شاهزاده نصر الدوله معروف شکار
 حضور مایون داشته و بسیار مقبول و مستحسن افتاد
 اندامحض نظر رحمت لکانه در باره او با عطاء یک قطعه
 نشان مرتبه دوم شمشیرکی مفتخر و سر او را شرف نمود
 در زمان مبارک نیز شرف جدیدی ارسال شد

ساجار شریف سعیدی و همکار در باشیکی در مایون مجتهد اعیان
 آقا محمد حسن مجمل بود و چندی قبل ازین در مثل لیا لیا حاجی حرم
 محمول شده بود این روزها محض ظهور رحمت لکانه در باره متغیر
 آقا محمد حسن مرد در مجتهد ایش سعیدی خلوت منصب لنگه دار
 در باره مایون بعد از رای مجمل کرده که گمانی این مشغول تقدیم لوازم
 این دو منصب بزرگ باشد و یک وجهه تن مبارک تیرا
 در زمان مایون با شکار او مرتب شد

جناب جلالت آبابی مخصوص وزیر مختار دولت تلمیسی
 صاحب منصبان سفارتخانه در روز سه شنبه منتهی گذشته
 بسنت آب که کم سنگ لایحجان روانه شدند و چند وقت
 در آنجا توقف خواهند داشت

و هم جناب جلالت آباب وزیر مختار دولت تلمیسی
 صاحب منصبان سفارتخانه در روز سه شنبه پانزدهم این ماه از قریه زرکند
 توقف داشتند روانه بلوک و ماورد کرده که چند وقت در
 اطراف توقف نمایند

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بود در این اوقات چهار
 سوار که بزم تاخت قلعه کهنسار آمده بودند و لکن تعلق می جویند خبر شده
 رفته چند نفر از مقول و مانعی منکوب و مخسول مراجعت بهنگام کرده اند

این اوقات نظر بلا حله خدات و اتماماتی که از نواب شاهزاده
 و الا بتبار نصره الدوله فرزند میر حکمران مملکت فارس بطور
 و در پیشگاه حضور مایون مقبول و مستحسن افتاده اولیای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه مبلغ بکهار و دولت توان
 بر مقرری نواب معزنی الیه افزوده اند و فرمان مبارک نیز
 مصدر خلافت کبری شرف صدور یافت

چون عالیجاه رضاقلی خان سرمنگ فوج عرب در سفر کمر

۴۴۱

نزهة

نزهة

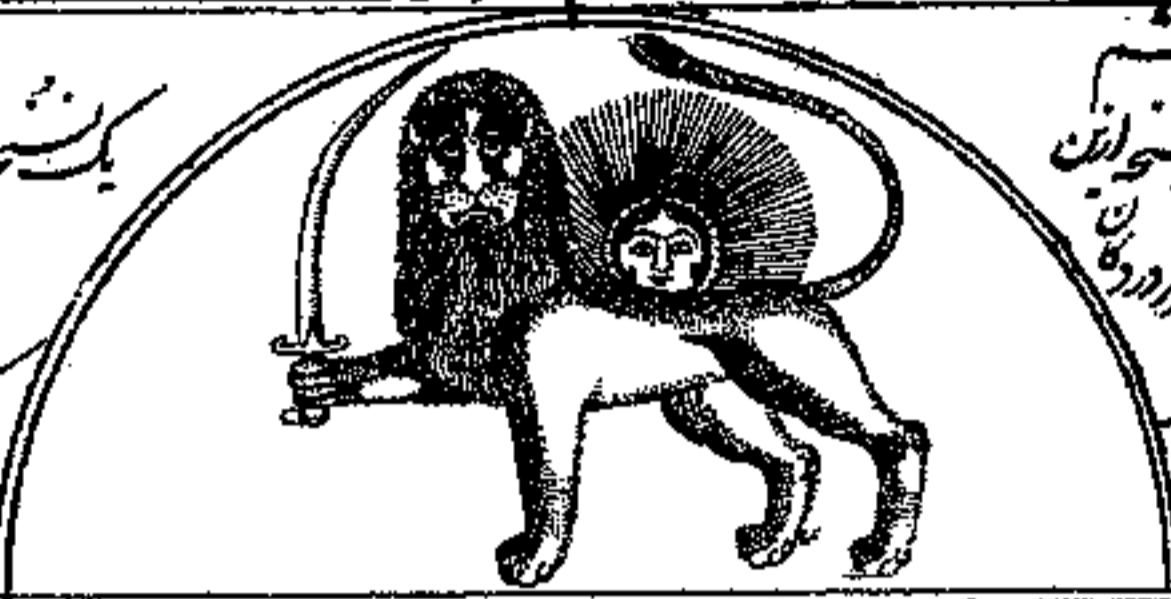
از قرار یک روزنامه مازندران نوشته بودند امر آنجا
 استقام و انضباط دارد و نوآبش هراده مصطفی
 حکمران مازندران بجهت حصول رفاه و آسایش رعیت مأمور
 عامه مردم رسیدگی نمایند و خود مقرب وقت
 میکنند از قرار یک نوشته بودند بجهت نیامدن باران
 زراعت کاران در توشش بوده اند نوآب معیری
 روزنامه برود و سخن میروند و آب را موافق حالت
 بزراعت آنها تقسیم نمایند که کسی زیادتی بی
 و هم چنین بجهت آذوقه و غله نان در شهر ساز
 بکن بیکه از دینار شده بود مراتب بعضی نوآب معیری
 رسید بصف جناب از خواسته بعد از تحقیق و
 مواخذه ناوایا معذور و قلمم گردیده اند که تاریخ محمول
 نازاد من و نیم بیکه از دینار بفرود شدند و بعد از
 رفیع محصول سه من بیکه از دینار بپند
 و نیز بجهت کمی محصول که توشش کرانی و حضرت
 بجهت اهل آن ولایت بود قرار دادند که شلتوک و غنچه
 بخارج آن ولایت فروخته نشود و در خود آن ولایت
 مصرف پسند که اهل آنجا در تنگی و حضرت
 بنام شدند که اگر زیاد از قدر مصرف خود داشته
 باشند بد از اختلاف طهران اذن دارند که حمل و نقل نماید
 و بفروشد و بجای دیگر اذن فروش ندارند
 نوآب معیری الیه نوآب مسعود میرزا را حسب استقامت
 اهل شهر بار فروش حاکم آنجا کرده در واره کرده

عالیجاه مقرب آنجا خان محمد یوسف خان سرتیپ
 که بجهت ترتیب و انتظام ملازم خواجه وند و عبد الملک
 و رساندن مواجب آنها از دربار هایدون پادشاهی
 مأمور گردیده بود از قسری که در روزنامه آنجا نوشته بود
 در وقت ورود با آنجا نوآب شایه هراده مصطفی قلی میرزا
 جمعی را با استقبال فرستاده و لوازم اعزاز و
 احترام را معمول داشته اند و سخاوتی که از دیوان
 اعلی بجهت مواجب ملازم فرموده حواله مازندران بود
 و کمال موجود و کار سازی کرده اند و مقرب آنجا خان
 مشارالیه رحمت حاصل نموده و بمیان ملازم فرمود
 رحمت است که امر آنها را انتظام داده مواجب آنها را
 رساند

در باب کارخانه های شکر ریزی که حسب الامر و
 دولت قاهره مقرر شده بود که در مازندران بشود
 در شهرهای ساری و بارفروش ساخته شود
 از قرار یک درین روزنامه نوشته بودند کارخانه
 شکر سازی که در میدان ارک واقع و جای باصفایت
 درین روزنامه با تمام رسید و بسیار خوب و در کس
 و در او اهل ماه شعبان قدس فیدی که از شکر سرخ آنجا
 ریخته شده بوده است با قدر کتار که در وی
 چندان تمیز داده نمی شده است و بجهت فروش در
 دکان آقا محمد اسمعیل نامی بنک دار گذاشته اند که
 هر کس بخواهد بکین بجهت از دینار بخرد و کارخانه شهر
 بارفروش نیز از قرار یک نوشته بودند درین روز
 نزدیک با تمام است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۶۶

یکشنبه ۱۲۶۶
قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلام
یک سطر تا چهار سطر
بیشتر بر هر خط



روزنامه
قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلام
یک سطر تا چهار سطر
بیشتر بر هر خط

اخبار واحداثیات ممالک محروسه پادشاهی

خراسان و اتمام خدمت ابوالفتح مقرب الخاقان
علیقلی خان میر خجسته باشند و روز روانه
شدن مقرب الخاقان مشارالیه از دارالخلافه
طهران با افواج و سواره ابوالفتحی خود جناب
جلالت تائب صدر اعظم سینه راه انداختن
افواج و سواره مزبور به میان آنهارفتند و
محبت و مهربانی بسیار با آنها نموده و با کمال
دلگرمی و امیدواری در همان روز روانه خراسان
گردیدند
فوج جدید فدوی قراکوزلو ابوالفتحی عالیجاه
مقرب الخاقان مصطفی قلیخان میر خجسته در روز
یکشنبه شانزدهم این ماه خراسان و پیشه
مرخص خانهای خود گردیدند و مقرر شد که
فوج مزبور با اتفاق فوج قدیم فدوی قراکوزلو
در شهر ذی قعدة الحرام برکاتب ظاهر انساب
جابون حاضر شوند
فوج کمره ابوالفتحی عالیجاه هشتم خان در روز

دارالخلافه طهران
امور است قضائی درین روزها اولیاء
دولت قاهره حسب الاشارة العلییه
اختیار حکومت کلایکان و خوانسار
مقرب الخاقان با جودان باشی محول و معوض
دانشه و نواب احمد سیراز از انجا
نمودند
عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میر خجسته که
خراسان بود با دو فوج افشار تیرسی عالیجاه
عسکرخان و یک هزار نفر سواره و دو عراده
توپ و توپچی و توپخانه چچی که ابوالفتح مقرب الخاقان
مشارالیه گردیدند در روز شنبه پانزدهم
این ماه از دارالخلافه طهران روانه خراسان
شد حسب الاشارة العلییه مقرر گردید که
سواره و پیاده متوقف خراسان و افواج
آذربایجان و عراقی که در خراسان میباشند
سوای سه فوج خراسانی کلاً مدام توقف

۴۴۳

پانزدهم این ماه حاضر کباب نصرت آفتاب
و در خارج دروازه دولت بظرافت کسرها یون
اعلی حضرت پادشاهی رسیده مورد التفات
و نوازشات ملکانه گردیدند و مقریش که مشرف
دار اختلاف طهران مشغول مشغول با

فوج دربانست که بر تپسی عالیجا علی بن محمد خان
سرتیپ مامور کرمان بودند در روز دوشنبه ۱۲
اینجا طرف عصر روانه کرمان شدند

سایر اخبار و اختلاف

چون این اوقات اعراب بادیشین بغداد طغیان کرده
اقدام بایذا و اذیت نمودند و از زوار و توافل
باجهای خلاف مسکرتند و به نزع اذیت رسانند
از سفک دم و قتل و نهب مضایقه نمیکردند علما

فقها و مجتهدین ملت اسلام و قهرم آید بهین ملاحظه کرد
زیادتی را که از جمله مستحقات اولی مجال مسکین بل
حرام دانستند و مرتب اخذست اولیای دولت
قاهره اظهار خواهش نمودند که تا قراری در نظم امور
انصفاات داده نشد قذغن شود کسی عزیمت زیارت

عبات عالیات را نماید اولیای دولت قاهره نیز
نظر تجویز علما و فقها و مجتهدین و ملاحظه رفاه
حال مسکین چنین قرار دادند که تا امر آن صفحات
بیب طغیان اعراب بادیشین بغداد واقعاتی و از
و احتمال ضرر خسارت بلکه قطع و ادعان بایذا و اذیت

زوار میرود ترک عزیمت زیارت نموده از هیچیک از
بلا و پیکس بعزم زیارت عتبات عالیات نزد تالی

قراری در نظم امور آن حد و داده شده بعد از آن
مردم در کمال رفاه و آسودگی عزیمت زیارت نمایند

چون این اوقات انقلاب واقعاتی که در صفحات
خراسان بود از اهتمامت اولیای دولت علیه

فی الجمله سکین یافت عالیجا مقرب انخاقان معتمد
سردار و حاکم بهرات و اعیان و اشرف آنجا

برای اظهار شکر گذاری و بندگی خود عالیجناب
قدسی آداب ملا فیض الله مفتی را با عریضه و بخشش
بدر بار شوکتدار همایون روانه داشتند این روز

عالیجناب شارالیه وارد شده ابلان عریضه و
کرده مورد رحمت و عنایت و از او بخش اولیای
دولت قاهره گردید

جناب جلالت آفتاب وزیر مختار دولت بهیروز
که با صاحب منصبان بعبت دیوانه و کشت انصفا
رفته بودند در روز یکشنبه ۲۳ اینجا مراجعت نمود
وار و قرینه زر کنند شمیران که محل توقف ایشان گردید

سایر ولایات

خراسان از قرار که در روزنامه خراسان
نوشته شده بود انالی قلعه عنایت آباد و بیامی
که در سرحد ترکمان واقع است بعلت بدسترس
خندق و بی استیحا می قلعه مزبوره همیشه اوقات از

تقرضات ترکمان مضطرب بودند مراتب را بنوا
شاهزاده حسام السلطنه والی مملکت خراسان
عرض کردند نواب معزی الیه نیز تخواه داده و آدم

فرستاده اند که در در هر دو قلعه خندق
 و شیر حاجی درست کرده آنجا را منصب سوط
 مستحکم نمایند و از اسمعیلی الطینان زیاد بجهت آنجا
 آنجا حاصل گردیده است
 و همچنین حنظل آباد که یکی از دوات پشتکوه بود
 تبادکان است تا قرا و سخانه که در آن طرف ساخته
 نیم فرسخ مسافت دارد و از ترکمانان نسبتاً
 آنجا تعدی و حیتابی زیاد واقع می شد در آنجا
 بعضی نواب شاهزاده حاکم السلطنه و الی مملکت
 خراسان رسانده بودند که مقلعه نذاریم دیدن
 سبب منیستو اینم خود را از تعرضات ترکمانان محال
 نمایم و مقلعه نداشتیم باشم از مال و مال عیال
 خود و اطمینان نداریم نواب معتمد الیه میر
 رفاه حال آنها محصل تعیین کرده بودند که رفت
 از پشتکوه تبادکان هر قدر عمل ضرور باشد
 بگرد و دست نفرین نیز از ارض اقدس همراه
 خود ببرد که بزودی بجهت آنها قلعه درست نمایند
 و هر چه اجرت عمل شود از بابت مالیات دیوانی
 آنها محسوب شود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته بودند
 چراغعلی خان نایب الحکومه آنجا فوج قیامت
 و چهار محالی را در عمارت تالار طوبی اصفهان
 حاضر کرده نفرینم واجب و تدارک آنها را که از
 دیوان اعلی شخص شده بود سجد سر باز داده که

همین ماه رمضان المبارک روانه در بار شوکت
 هایدن باشند و باید این اوقات وارد شوند
 از شهر آریکه نوشته بودند فوج دماوندی و توتی
 که نامور سحر است اصفهان بودند با آنجا رسید
 و بعد از ورود آنها فوج کرازی و توپچیالی که
 در آنجا بودند مخرج دروازه کردند

نوشته بودند که در میاراشم نام عموزاده
 که خدای میار عقب شهیدی علی نام میاری
 و اظهار کرده بود که خدا او را خواسته است شهیدی
 با ششم سجانه آقازین العابدین که خدا فرستاده
 از غروب آفتاب اهل خانه شهیدی علی از نیامدن او مضطرب
 شده و هر چه بهر جا تفحص کرده اند او را نیافته اند بعد از آن
 رفته زین العابدین که خدا و ششم عموزاده او را گرفته اند
 از شهیدی علی اثری ظاهر نشده است مگر کلاه خون آلودی
 او در میان برج یافته اند و در محمول نزد عالیجاه چراغ علی خان
 آمده اند و فرستاده زین العابدین ششم را با اصفهان برده
 حکم برافروخته و در محمول از اثبات عاجز شده و حکم تقسیم
 در محمول پنجاه و یک قسم بقانون شریعت مقرر یا کرده
 که زین العابدین که خدا قاتل شهیدی علی چشمی به او دادی
 تا هزار تومان میداده اند که او را نگذارد و در محمول نگورده اند
 و سی تومان سهم در محمول بهر عصب میداده اند که او را
 قبول نموده است بالاخره قاتل را حکم عالیجاه نایب الحکومه
 بدست و در محمول داده اند پس در خواهر روز و در محمول که در
 مستحضر آنها بوده بسیار بگردن قاتل انداخته و او را معتقل رسانده اند

عربستان

از قترار یک در روزنامه آنجا نوشته بودند در
 او خرمه رجب محصول زراعت نواز چو گوینم
 بدست آمده و بسیار آورده بوده اند و در کار
 در وقت بوده اند و بجهت ادا افت و استیجاب
 و محصول آنجا رسیده و فراوان و خوب
 اند کرده بوده است و از غله سال گذشته
 امسال در آنجا کمال و فراوانی را دارد
 مالی از ولایت سبب ارزانی و نراوا
 و اینست نهایت سرور و شادمانی و شکر
 گذاری را دارند

دیگر نوشته بودند که در اول ماه شعبان بقدر
 یکصد بیت نسر و نذ چهار از تبع دولت
 علیت ایران و سایر دول متحابه دین کرا
 بندر محرمه در شرط کارون لنگر اقامت
 انداخته بودند و شب و روز آن چهار
 پیش از ختم و چراغان کرده بودند اند
 سبب و نور کشیها و جمعیت اهل کشتی
 اظهار جشن و شادمانی و عیش و چراغان
 بوده اند

دیگر نوشته بودند که یک کشتی بزرگ درین
 روزنامه از بندر وستان وارد شرط العرب
 مقابل محرمه گردید و نواب هند می یکصد
 شصت نفر از متعلقان دولت بستان خود
 در اول نوشته را راده زیارت عتبات عالیات

داشته اند و یک روز در آنجا لنگر اقامت
 انداخته اند و کسب ایشی مزبور را به بند داده اند
 از قترار یک نوشته بودند کشتی بسیار بزرگ
 بوده است و تیر در گل داشته و اوضاع
 غریب در او بسیار ترتیب داده بوده اند
 نمودن نقش بخت شیرین داشته است
 که با نهایت صفا و امن بسیار ساخته بوده اند
 و از چیرشیت آراستگی و زینت تمام دارند
 و از قترار مشهور روزی یکصد تومان کرایه کشتی
 بوده است و در این ایام کمر کشتی باین بزرگی آنجا
 آمده بود است

کرمانشاهان

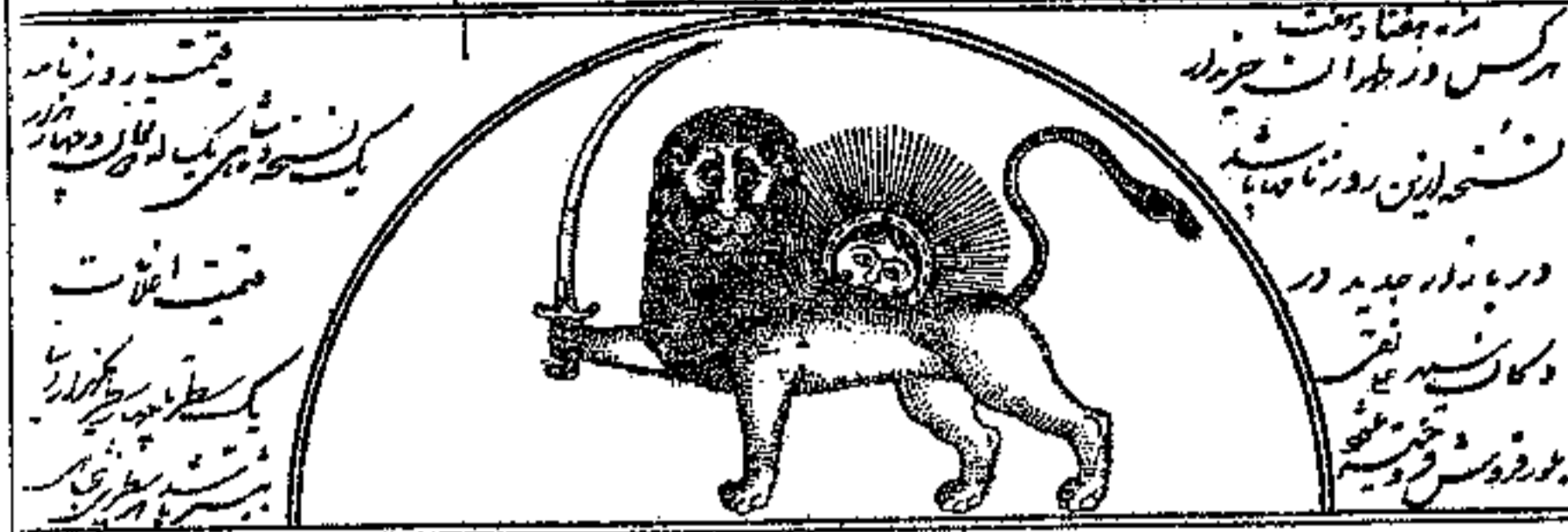
از قترار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 امورات آن ولایت بعد از ورود نواب امامعلی
 تاکنون روز بروز نظم تراست و در هر باب
 خود رسیدگی دارند بخصوص در ساختن و تعمیر
 عمارات که مایه آبادی و شکوه ولایت است اهتمام
 کامل دارند از جمله در عمارت مشهور بعلین
 روزی یکصد نفر بنا و عله و نقاشی در کارند
 آنچه تا بحال ساخته و تعمیر شده بسیار بهتر
 از سابق است و پنجه پنجه حاجی کریم و باغ مرحوم
 محمد علی میرزا و سایر عمارات دیوانی تعمیر شده

بهمدان

از قترار یک در روزنامه آن نوشته اند امر آنجا در کمال انتظام است همچون
 که از ایام بمقر آنجا خان عبدالله صاحب نوا و صاحب نوا و صاحب نوا

۴۴۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه چهارم ماه شوال الکریم مطابق سیال چنگان ۱۲۶۱



قیمت روزنامه
یک ششماهه یک تومان و چهار
قیمت اغلات
یک سطرانچه یک هزار
بیشتر هر قدر

مزه بختار بخت
هر کس در بطرات خود
ششماهه این روزنامه
در بازار جدید
دکانه نقره
بورس و غیره

اجتار داخله ممالک محروسه پادشاهی

نظر بطهور و نور مزاجم خسروانه در باره جناب
جلالت آت صدراعظم درین عید سعید
جناب منظم البیروا با عطا ای یک قبضه
شمیر بر صبح و یک شوب جبه شمه مرصع از
جمله بلوغات خاصه سرافراز و قرین
وامتیار فرمودند

جناب جلالت آت وزیر مختار و دولت بهینه
روس بعد از آنکه از حضور اعلیحضرت پادشاهی
بیرون آمدند بدین جناب جلالت آت صدراعظم
رفتنه و مکالمات دوستانه و مبارکباد عید
نمودند

نظر بطهور و رحمت اعلیحضرت پادشاهی در باره
عالیجاه مقرب الخاقان حاجی علیخان فرانسوی
ملقب سجاجب الدوله درین اوقات با عطا ای
یک قطعه نشان اول مرتبه مهر منکی و یک
رشته حایل سفید بین الامثال و الاقران بین
معاشرت و مبارکباش فرمودند

در روز دوشنبه غره اینماه که روز عید ماه مبارک
رمضان بود اعلیحضرت پادشاهی بقاعده معمولی
این دولت علیه در عمارت جدید سلطانی
بنیاد و ران سلام عید فرمودند و امنای اعیان
چاکران در بار شکرتمند از حضور فرمودند
شرفیاب گردیده هر یک در جای خود تشرار کرد
و شیلیک توپ و ریزورک بجهت عید چنانچه
در دولت علیه ایران رسم و متداول است نمودند
و جناب جلالت آت وزیر مختار و دولت بهینه
روس و عالیجاه بلند جایگاه عاصم بیک
صلحتگذار دولت علیه عثمانیه نیز شرف مبارکباد
عید پیام شرفیاب حضور پادشاهی گردیدند
و جناب جلالت آت ایچی مخصوص روز مختار
دولت بهینه انگلیس چون درین اوقات بجهت
گردش نسبت ایک لاریجان و آب گرم آنجا
رفتم بودند در روز عید رمضان در حضور اعلیحضرت
پادشاهی حاضر نمودند

۴۴۷

چون توجّه ملوکانه علیحضرت پادشاهی مقتضی تربیت
 وجود مسعود نواب شاهزاده اعظم سلطان حسین
 گردیده لهذا نواب ساسان میرزا پسر نواب
 شاهزاده بهارالدوله را برتبت لگگی و تربیت
 نواب شاهزاده معتبر الیه در روز بیست و هفتم
 ماه رمضان المبارک سرلبنه و پیشرف کثیب
 جنبه ترثه اعلی از صند و قنایم مبارک که قرین
 اعزاز و افتخار شش فرموده

امورات قشونی

عاجیاه پرویزخان سرتب سواره چهاردولی با
 که احضار برکاب نصرت انساب سعادون شد
 بودند در روز دوشنبه غره ایناه بر حسب حکم
 سابق با سواره مزبوره در کمال استعاده بدربار
 شوکت در پادشاهی وارد

قشون متوقف در بار سعادون از اهل نظام که تجیه ایام
 ما مبارک رمضان از شوق معاف و مرخص بودند
 در روز دوشنبه دویم این ماه حسب الامر مشغول
 شوق گردیده افواج قاهره نظام کلاقی سابق در
 میدان خارج دروازه دولت و توپچیان در میدان
 ارک مشغول مشق متعلین دارالفنون در مدرسه
 مشغول تعلیم و تعلم میباشند
 عاجیاه میرقلخان و لدر حرم حسین خان سردار که
 بود حسب الاشارة العلیه مامور بوزباشی که
 علا آن مامور متوقف دارالامان کرمان گردید
 که مشغول انجام حدت آنجا باشد

عاجیاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان حسب الامر
 غفلت از عقب فرج مخبران ابوالحسنی عاجیاه قاسمخان
 سرتب که مامور بفارس بودند فرستاده در بیان
 منزل مهیار و قشون اصفهان بجا پاری بانها رسیده
 و در پهن راه آنها را حاضر باش که ده و سان دید
 موافق سانی که در کاب سعادون داده بودند
 زیاده از دوسه نفر غایب و فراری میباشند
 در وانه فارس شده

چون حسب الامر علیحضرت پادشاهی مقرر است

که همیشه اوقات ده دوازده فرج در دربار جهان
 مشغول مشق باشند لهذا دو فرج حشر را نیز اجتناب
 برکاب نصرت انساب فرمودند که بدار اختلاف طران
 آمده با افواج متوقف برکاب سعادون مشغول
 باشند

منطقه تعبیر اجناس و دار اختلاف طران که مایه کینه
 در روزنامه گزشت نوشته میشود درین مهنت
 از اینقرار است

- کندم ساوجبلاغی یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر یکخوار دو تومان و چهارده

چو یکم هزار	یک تومان و دو هزار پانصد	تباکوی اعلی چهارمین پانزده هزار
گاه یکم هزار	پنج هزار	تباکوی وسط چهارمین دوازده هزار
ماش یکم هزار	سه تومان و پنج هزار	تباکوی است چهارمین یکم هزار و چهارصد
عس یکم هزار	سه تومان	پیرشور چهارمین چهار هزار و پنجاه
کرچک یکم هزار	پنج تومان و دو هزار و پانصد	بادبخان صد و دو هزار و پانصد
ارزن یکم هزار	پانزده هزار	سبزی آلات یکم ده پول
نک یکم هزار	پنج هزار	قندارسی یکم شش هزار و پنجاه
غذ یکم هزار	پانزده هزار	آب خوره یکم ده شای
سنگ یکم هزار	پانزده هزار	سیرک یکم سیصد
سخت قزوینی یکم هزار	پنج تومان	نبات یکم شش هزار و پنجاه
سخت درسی یکم هزار	سه تومان	شکر یکم سه هزار
سبب یکم هزار	یک تومان	بن یکم دو تومان
ذغال یکم هزار	پانزده هزار	میخک یکم چهار هزار و پانصد
شیره چهارمین	دو هزار و سیصد	دارچینی یکم شش هزار و پانصد
حنا چهارمین	سه هزار و پنجاه	کبک یکم دو هزار و پانصد
پیه کد اخت چهارمین	شش هزار و ده شای	زیره یکم یک هزار و شصت
کشک چهارمین	دو هزار	زعفران یکم یک هزار
آلو بخارا چهارمین	چهار هزار و سیصد	علویات یکم چهار هزار
کشک طعام چهارمین	دو هزار و ده	سکنجین یکم سه هزار
هندوانه ککاخچ چهلمین	شش هزار و ده شای	سایر ولایات
طالبی بیستین	چهار هزار	اندر پای جهان از قراریکه از تبریز درین روزها
کرک بیستین	سه هزار	بوده جناب جلالت آتسب غیر کبیر دولت علیه عثمانیه که قتل
انگور بیستین	پنج هزار و پنجاه شای	نامتوفاعت دولت علیه ایران شده بود از اسلامبول بیرون
سبب یکم	دو هزار و پانصد	و باید حال نزدیک سرداران شده باشد و آنچه
دو پیچواغ یکم	یک هزار و پانصد	دیگر وارد دارالسلطنه تبریز خواهند کرد

۴۴۹

استرآباد

از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته شده بود
این روز یک شبانه روز بارندگی زیاد
در مازندران و استرآباد شده است بطوریکه
در سبوقت چنین بارندگی در آنجا مشاهده
نشده بوده است و آب رودخانه های آنجا
نیز بسبب این بارندگی زیاد تر گردیده است

خراسان

از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود
چند روز قبل از کلات خبر رسید که مالک
سوار از سرخس بغزم تاخت و تاز بیرون آمده
لواء شاهزاده والای استرآباد
والی مملکت خراسان نیز بجهت استحضار
تتمه و تدارک دین و بر دهمم اخبار کرده
بقراولخانه های آدم فرستاده بودند که خبر
بیاورند از قراولخانه محمودآباد خبر رسید
بود که سوار داخل خاک جام شده است
و سواره جامی هم با حبار قراول خانه
حاضر بوده اند صبح که سوار سرخس برای
تاخت و تاز بیرون آمدند چند آنکه دست و پا
زده بود و چپ پایی از آنجا نتوانسته بودند اند
ببرند و سواره جام هم همه جا جنگ کسان
انهار از سرده گذراننده و چند کسان
نیز از آنها گرفته از خاک جام پروان کرده اند

شده بود که خان جنوق بغزم گرفتار زکوة پسر و آمده
بوده است و اهل آنجا تکلیف کرده اند و میانشان
سبب زعم آنجا سیده ولی معلوم نشده است
که آنجا کجا منحصر شده باشد

دیگر از قرار یک نوشته شده بود که عالیجا عبا سفلخان
بیکر سبکی که با هزار نفر سرباز و هزار نفر سواره و
دو عراده توپ مامور تعمیر خرابی بروج آق در رند
و قراول خانه های مزدوران و غیره شده بود
این اوقات آنجا مار تعمیر نموده و در هر یک از
قراولخانه های این قرار تعمیر نموده و تفکیحی و سفح کرده است
و مراجعت کرده است

در بند مزدوران آق در رند
تیمبر شد و چهار برج تعمیر شده و شهر
هزار و هفتصد ذرع دیوار ساخته
شده و یکصد چاه تعمیر شده و صد و چاه تعمیر شده
و تفکیحی با اسباب لازم
در آنجا گذاشته است لازم گذاشته است

قراول خانه میدان
یک برج تعمیر شده و ده نفر
تفکیحی با اسباب لازم گذاشته

دیگر در روزنامه خراسان نوشته شده بود
که در سرجام بارندگی زیاد شده و بعد تکرر زیاد
باریده است که هر یک علی التبعین چهارده سپرالی
بیت سیر بوده است و تا چهار پنج روز در روی زمین
مانده و آب نشده و خرابی زیاد با آنجا رسانده بوده است

۴

۱۵۰

اخبار دول خارجه

انگلیس روزنامه آخر که از لندن پایتخت این ولایت رسید بتاریخ سه شنبه نوزدهم شعبان بود در هر شهر و بلوک آن ولایت خلق در تدارک معین کردن و کلاً از جانب خود بودند که بشور تخانه دولتی پایتخت که بحکم پادشاه جمع میگردید و آن نماینده و وزیر پادشاه درین باب خلق را خبر کرده بوده اند

از هندوستان نوشته بودند که قشون انگلیس در کنگون و قلعه مرتبان را که هر دو در ولایت برمه میباشند گرفته بودند و هر دو جا در دست قشون انگلیس بود و بجنک سخت گرفتند و بنا دادند که در آنجا توقف نمایند تا موسم باران که تمام شود بعد از آن حرکت کنند و این موسم باران در تابستان قشون مزبور بجهت ناخوشی و بدی آب و هوای گرمای آن ولایت بسیار از دست می کشیدند در جنک این شهر و قلعه یکصد و سی عتاده توپ بست قشون انگلیس افتاده بود و یکصد و چهل نفر نیز از قشون انگلیس کشته و زخمی شده بودند و قشون انگلیس از هر قسم شت هزار کس و قشون اهل برمه بیست و پنج هزار کس بوده اند و توپچیان آنها در تدارک چابک و خوب بوده اند و ازین جنک معلوم شده است که اهل آن ولایت نسبت بزمانهای سابق در علم جنگ و قواعد نظام حالا بسیار ترقی کرده اند و با نظام شده اند

روس

اعلیحضرت امپراطور روس شهر و پست پایتخت مملکت استریه بدین اعلیحضرت امپراطور استریه آمده و چند وقت در آنجا توقف فرموده اند و از آنجا بنا داشته اند که بشهر برلین پایتخت مملکت بروسیه بروند و در اوقات توقف در شهر و اهل استریه از اطراف و بلوکات آنجا بشهر بروند آمده مراسم جشن عیش و شادمانی را معمول و کل اهل شهر اسباب شربت و طرب فراهم آورده بوده اند خاصه اوقاتی که هر دو امپراطور در یک کالک نشسته بکشت و تماشا میفرمودند مردم بیاد از سواره و پیاده با احترام آنها جمع گردیده اهل شربت و خورشید میسینوده اند

فرانسه

روزنامه آخر که از پاریس پایتخت این ولایت رسیده بتاریخ روز چهارشنبه نیم شعبان بود امورات این دولت نسبت سابق بطور خوب راه میبرد اما بسیاری از اهل آنجا که مایل بسلطنت اولاد پادشاه قدیم فرانسه و نوگردیوان بودند درین روزنامه استخفا کرده اند بسبب اینکه درین روزنامه قرار گرفته است که هر کس نوگری دولت فرانسه را بخواند باید قسم بخورد که بر استی غیرت و صداقت بلوئی ناپلیان و دولت جمهوری فرانسه است نماید و از آنرا که این اشخاص اگر چه حالا خدمت بدولت جمهوری فرانسه می کنند اما چون پیشان بقانون

قدیم اولاد پادشاهان سابق فرانس است این
قسم و قسم را میخورند و از خدمت استغفای

از جمله مردمان متشخص و مشهور ولایت فرانسه
که درین ایام از آن ولایت اخراج شده اند یکی موسی
طبرستانی است که در ایام لویی قلیب پادشاه سابق
فرانس بارها از جمله وزرای فرانس شده بود درین
دو زمانها نوشته اند که از طرف دولت فرانسه
باو تکلیف کرده اند که مراجعت بولایت فرانسه بکند
اما او قبول نکرده و گفته بود که درین ایام از ترس
من بهترین است که در خارج بمانم و الان در ولایت
انگلستان توقف دارد و یکی دیگر ژرژ آل شکریه
که سر کرده رشید مشهور قشون فرانس بود
و حالا در مملکت فرانسه است جسمی از دست

تکلیف کرده اند که بولایت فرانسه مراجعت نماید
او نیز قبول نکرده و گفته بود که من نمی توانم در زیر حکومت
لویی ناپلیان در خدمت خدمت نمایم بهترین آنست
که همین طور اخراج بلد باشم همدسته کان و پرواز
از نری سینک که از اولاد پادشاهان قدیم فرانس
در فرانس توقف داشتند ولی امیدواری نبود
از اینکه یک وقتی نازی سینک بحق خود که سلطنت
فرانس است برسد و لکن خودشن باین اشخاص کاغذی
نوشته بود که مبادا جنگ و شورش بکنند که با
خو زری بلکه از هر سبب باعث ضرر بولایت فرانسه
باشند و کار خودشان را نیز نتوانند پیش ببرند

و بانها حکم کرده بود که هر یک در جای خود آرام بنشینند
مبادا کاری بکنند که مورد مواخذه و بازخواست
انمای دولت جمهوری بشوند معایبی که در زیر حکومت

رانی لویی ناپلیان در دولت فرانس است
همین فقرات است و لکن در سایر مواد بجهت دولت
فرانس حکمرانی رئیس مریور بسیار خوب شده است
تجارتشان روز بروز بهتر و نظم در ولایتان
بیشتر است و در جایا که هیچ خاطر جسمی از امور خود
نداشتند حال در احوال در راه میباشد
سایر دول فرنگستان بجهت اقتشاش مملکت
فرانس هیچ خاطر جسمی بآن دولت نداشتند
و در قشونش بودند که مبادا یک روزی اقتشاش
آن ولایت بولایت آنها سرایت نماید حال چونکه نظم
تمام در آن ولایت دارند اعتبار دولت بیشتر شده است

در باب قشون فرانس که متوقف شهر روم میباشد
گفتگونی شده بود که بلکه طوری بشود که آنها بولایت
فرانس مراجعت نمایند سبب اینکه بودن قشون
مزیور در آن صفحات اخراجات دولت فرانسه را
بسیار زیاد میکرد اما سبب اینکه کار آن است
مملکت ایتالیا اعتبار نداشت بعد از شور
و صحبت زیاد قرار گذاشتند که قشون مزیور بماند

باز در آنجا متوقف باشد
احوال است متفرقه

جزیره کوبا که یکی از بزرگترین جزایر خط استواست

و بجهت حاصل و آب و هوا بهترین جاهای آنجاست
تا بحال زارعین آنجا کلاً غلام و کنیز سیاه بودند
که از مغرب زمین می آوردند این وقتا چونکه دولت انگلیس
و سایر دول فرنگستان با هم بیکر عهد نامه بستند
که آوردن غلام و کنیز از مغرب زمین موقوف
باشد حال آوردن غلام و کنیز بجهت آنجا قدر
شکل شده است از اینجهت سیاهان گداشته اند
که از برای زراعت آنجا عمل کنند از ولایت چین
بیاورند و چند نفر از تجار انگلیس که در آنجا میباشند
بعضی از اهل آنجا معامله کرده اند و مضمون معامله آنست
که هشت هزار فدان تجار از ولایت چین بآن جزیره
بیاورند و هر هفتاد بیت و پنج پوند پول انگلیس که
پنجاد و شش تومان و دو ریال پول ایران میشود از
اهل آنجا بگیرند درین معامله اهل جزیره که برفع خود را
کرده اند زیرا که قیمت غلام و کنیز سیاه که از مغرب
می آوردند نفی صد بیت پوند پول انگلیس که دو
هفتاد تومان پول ایران است میشود گذشته ازینهم
منفعت دیگر در آوردن اهل چین دارند که این سیاهها
اکثرشان آدم و حشی اند که هیچ چیز نمی فهمند و
تا وقتیکه زراعت یاد بگیرند مدتی طول می کشد و با
اخراجات خوراک و پوشاک آنها را بکشند تا آنجا
بگیرند و اکثر اهل چین بسیار همارست تمام در کار
زراعت و صنایع دیگر دارند و این اهل چین که آنجا
می آیند مدت ده سال بجا جان املاک و
زراعت کاران آنجا نوکری شوند و تخمیت روزی

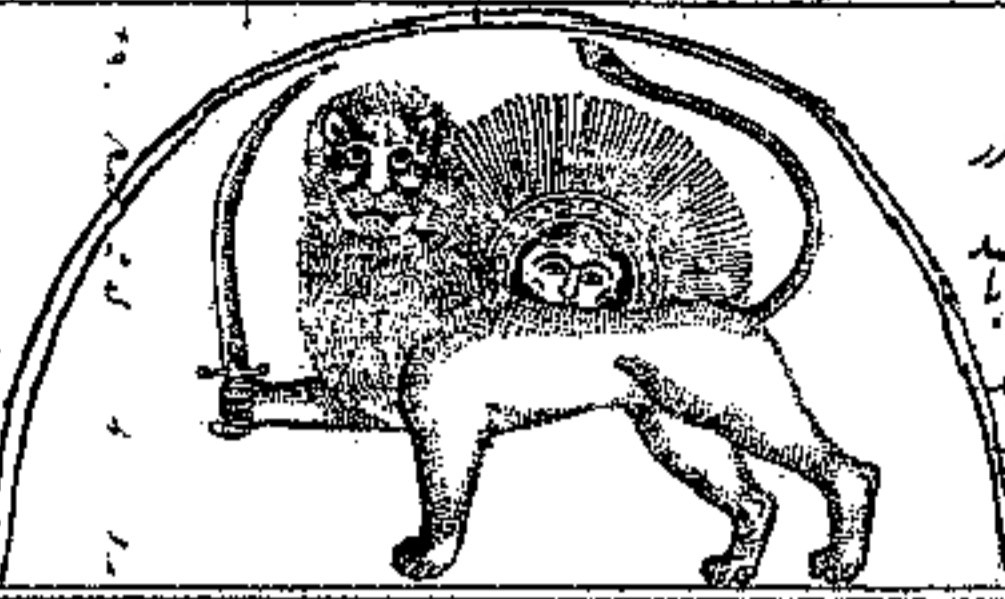
سی شاهی اجرت خودشان را میگیرند بر آوردن اهل
آوردن اهل چین و سیاههای مغرب زمین هر دو
کرده اند و آوردن اهل چین با آنجا صرفه اش بیشتر
از آوردن سیاههای مغرب زمین است
در ولایت انگلیس در آخر فرنگستان و اول چهار
سیار کم بارندگی شده است و این بارندگی کم
بجهت این ولایت که رطوبت و بارندگی زیاد دارد
سیار تعجب است از بیت هفتم ربيع الثانی
که آخر چنگ که کو چک بود تا پانزدهم جمادی الاخر
پنج روز بارندگی شد است آنهم بسیار کم و یکروز
دیگر که بیت رومش از عید نوروز بوده است برف
آمده است و دو روز هم بار باران کمی آمده و شش
روز بعد از عید نیز بار برف کمی آمده است چونکه
کل زراعت ولایت انگلیس دریم است و زراعت
آنجا هیچ نذیده اند بجهت نیامدن باران بسیار
شده اند و حاصلشان بسیار است
و بعضی جاها که از رودخانهها و چاههای کوچک
و غیره آب بریداشته درین ایام خشکی نیم
راه میرفتند اند که یک سبوی آب بیاورند
تا در آخر ماه رجب که چهل و پنج روز از عید گذشته بود
بارندگی در آنولایت شده است و قدری از
تسولش کرانی و کمی آذوقه بیرون آمده
بجهت بدی آب و هوا گرمی و وسط قطره افرازا که مغرب
چین است از اهل خارج بسیار این ولایت بسیار
کم رفته اند و در هیچ یک از کتب قدیم و جدید احوا
ث

انولایت را درست نوشته اند از آنچه بعضی از
 سیاحان بسیار طالب میشوند که میان انولایت
 بودند درین روز دو نفر یکی از اهل اخلیس و یکی
 از اهل سویدن با نولایت رفته بودند اندک آنکه از اهل
 سویدن بوده است در آنجا مانده و آن شخص ^{نخل پیش}
 مراجعت کرده و او را در اخلیس نشاندند آنکه آنجا
 سیاحت خود را بیان نماید از قراریکه مذکور داشته
 تا در جبهت و یکم از طول دنیا رفته بوده اند چند
 بزرگ از وسط این مملکت میگذرد و بنا دارند که
 بخار با آنجا بفرستند که از دریایست مالای
 این رود خاها بر رود بخار فرنگستان امید دارند
 که تجارت زیاد در آنجا بر آید و نفع خوب بردند
 خصوصاً از خاک طلا و عاج و غیره
 و زودان دریای جزایر یونان روز بروز در کار دزد
 جورتر میشوند و بیشتر دزدی می نمایند و در این
 اوقات آمده اند میان یک لسن که گاهی نزدیک
 بشهر صمیر و بسیار راحت و غارت در آنجا کرده اند
 اکثر کشتیها را که میگردند و غارت میکنند مال و
 استریه اند و بکشتیهای دولت اخلیس و فرانت
 و روس خندان دست میزنند و نزدیک یکی یکی
 از آنچه که از آن مقام آن دولت توشش کلید دارند
 دولت استریه بنا دارند که دو کشتی که هر یک
 چهل چاه عراده توپ در میانش باشد و دو کشتی
 دیگر از آنها کوچکتر که هر یک پانزده عراده توپ در میان
 باشد باید کشتی بخار با آن صفحات بنویسند و در

تا پوی تیر بنیاد دارد که کشتی جنبکی آن است
 که محافظت از کشتیانان که رعایای خودش میباشد
 بکنند
 از شهر فلانس نوشته بودند که بنا داشته اند که
 قشون با استریه را که در آنجا توقف داشته اند از آنجا
 بردارند اما در ثانی بیرون رفتن از آنجا را موقوف
 کردند و در غایت که قشون دیگر نیز با آنجا بفرستند
 سببیکه کمان بود که اهل آنجا دو باره افساد
 اغتاشش نمایند
 در روزنامه اسلامبول نوشته اند که اول ماه مبارک
 رمضان را در آنجا از روز جمعه گرفته اند و در همان
 اعلام کرده بودند که اهل در خانه و چاکران و یوان با
 بدر خانه بیایند و لکن سخته ایام روزه روزه هر چه
 میباشند که بخانهای خود رفته باشند با سخته مشغول
 اعلانات
 کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
 استاد دارالطباعة این روزها چاپ در محله نزدیک
 دروازه دولت شده اند و قرار هر روز میشود
 کتابخانه نظامی نه هزار دینار
 کتابخانه چهار تومان و نیم
 کتاب سراج السعاده دوازده هزار
 کتاب جوهری شش هزار دینار
 کتاب سالک شش تومان
 کتاب دارک سه تومان
 کتاب کسکول هفت هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه یازدهم بهشتی سال المکرم مطابق سال سیچان ۱۲۶۱

قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار
قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار
قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار



قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار
قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار
قیمت اعلانات
یکشنبه یکبار
یکشنبه چهار بار

اخبار داخله ممالک متحد و متفرقه

دارالخلافه طهران

در روز شنبه عاظمه علیحضرت قوی شکست
پادشاهی از پناه آران سوار شده عزیمت شهر
فرمودند و جناب جلالت آت صدر اعظم و
سایر ائمه و اعیان و چاکران در بار شکستدار
هایون ملتمس رکاب حضرت انتساب بودند و در جلو
مقر قاجار سواره چهاردلی جمعی عالیجاه پرویزخان
که از آذربایجان احضار برکاب هایون شده بودند
صف کشیده با کمال آراستگی از نظر هایون گذشتند
و موکب هایون از آنجا بهر شریف فرما شدند و
مراجعت اول برای تشوین مالی مدینه نظامیه با
شریف بردند و از آنجا بیرون شهر شریف بر روی
افواج قاهره نظام که حسب حکم مقرب انخانان اجودان
در میدان شوق خارج دروازه دولت حاضر شدند
بنظر مبارک علیحضرت پادشاهی رسیده با کمال
آراستگی و انتظام بنظر آمدند و موکب هایون
افواج رفته پادشاهی آراستگی و مشق و حرکت

انهار انمودند و بعد از ملاحظه افواج قاهره نزدیک
بغروب آفتاب بنشیند و آران مراجعت فرمودند
پیشتر در همین روز نامه نوشته شد که باید بر
حکم اولیای دولت علیه لوکر با ب دیوانی با تجار
دولت خارج جنبه کاری نهند و مال آنها را بعد
تخصیص و تلف و اولیای دولت را بمقام رحمت
و مرامت نیارند مجدداً الزامه تا کتب محض حفظ اموال
و سرمایه تجارت تجار مزبوره فرمایند از جانب
اولیای دولت علیه باین مضمون صادر شد که هر یک
از لوکرهای دیوانی که احراز از جنبه کاری نمایند
و باز مرگب شوند مورد مواخذه دیوانی و اخراج از لوکر
خواهند بود و امید است که بعد از این رواج امر تجارت
تجار دول خارج که بله در این معسر معقول خواهد بود
و اگر لوکر با ب جسم با آنها معامله نمایند معامله
نقدی خواهند کرد و در روز و در مملکت علیحضرت
پادشاهی بیشتر و بهتر خواهند شد و انشاء الله کمال بر دارند

۴۵۵

چون سالها بود که میرزا رفیع خان قزاقی نظر بجهت
 در زانت قلعه قزاق که از قلع محکم و مستحکم خراسان
 مستحکم شده بطوریکه باید اطاعت کلی بچکام خراسان
 این اوقات ذابشاه از حاکم السلطنه والی مملکت
 خراسان بر حسب اولیای دولت قاهره عالیجا پاشا
 سر قیابا و فوج سینهانی و دانغانی و مغرب
 امیر اسد الله خان حاکم قباغات را با قدری از
 و پیاده خراسانی برای انتظام آن صفحات
 نموده بودند بعد از وصول اشار الیهما با بنجا قلعه کبان
 باستظهار حصانت قلعه بنمای خود سری گذاشته
 قشون پادشاهی را با بنجاره نموده بودند عالیجا پاشا
 با افواج جلادت شعار و سوار جراب کمال شادت و
 جلادت در یک ساعت آن حصن حصین را که قلعه
 در میان بگدیر بود بمقتوح قلعه کیا ترا محدود
 و مغلوب نموده بطوریکه باید مثل سایر قلعات خراسان
 ساخلود و قزاق گذاشته و میرزا رفیع خان چون
 مستاصل شده و چاره برای خود نیافت بود و از آنجا که
 مراحم ملوکانه اعلیحضرت پادشاهی را نسبت
 بامیر الامرا العظام سعید محمد خان سردار و حاکم برات
 شامل بکل وید بهرات رفته عالیجا پاشا را الیه
 و مقرب اسخاقان سامخان الیمخانی را شفیع بخشیم
 خود در خواست غفور اولیای دولت قاهره نموده
 شفاعت عالیجا پاشا را الیه در حضور سایر یون
 عز قبول یافته مقرر نمودند که ساخلود قلعه قزاق
 اذیت بود میرزا رفیع خان خود در برابر جایون آید

در حق او گذاشت و حرمت ملوکانه مبذول افتد و در
 از او این خدمت از قرار تقصیل ذیل در حق اشخاص
 فتح قطع نموده و مصدر خدمت شده و رشادت
 و جلادت خود را ظاهر ساخته بودند خلعت نشان
 مرحمت کرد و انعام و خزان

عالیجا پاشا خان میرزا	چهارمیرزا خان جبهه زر
نشان برتبه اول	حاجل شرح
قطعه سینه پیچی	یک بند
یک شوب	یک شوب

علیقلی خان سردار فوج	چهارمیرزا خان پسر امیر
دانشگاه نشان	نشان برتبه اول
یک شوب	یک شوب

عالیجا پیراهیم خان کبچه	چهارمیرزا خان پسر امیر
نشان برتبه اول	نشان برتبه اول
قطعه سینه پیچی	یک بند
یک شوب	یک شوب

سایر ولایات

کرمانشاهان از قراریکه در روزنامه های کرمانشاه
 می نویسند امر آنجا این اوقات از اتمام فتوحات
 اماحتسلی میرزا نسبت بزمانهای سابق بسیار
 منظم و مضبوط است و امر سرعت و راهزنی
 که سابقا در میان طوایف و ایلات اطراف

که نشانان اغلب اوقات اتفاق می افتاد
 این روزها از استقامت آب معشتری البیه
 بسیار کم شده و بندرت اگر از کسی مالی سرقت
 بشود حتماً پیدا کرده بصاحبش میرسانند
 از جمله نوشته بودند که درین اوقات آب معشتری
 از مغرب الخاقان عباسی بلخان به برخی ایلات
 و رحمن شیب زدیده بودند در آب معشتری ایلات
 عرض شده حکمی بطوایف مرزور نوشته بودند
 که اسب سرود را میخواستیم و از هر طایفه که
 برود کند آن طایفه قارت خواهد شد بعد از
 چهار شب اسب را آورده در همان چمن مید
 بودند و هم چنین در جمیع آوری تصرف می نمودند
 که از طوایف ایلات و بلوکات اولایت سبب
 سوء سلوک حکام ازمنه سابقه از آنجا که چیده
 و بجای دیگر متفرق شده بودند درین اوقات
 نظر محسن رفقار نو آب معشتری الیه اغلب آنها
 از روی میل و رغبت با ما کن و اوطان خودشان
 مراجعت می نمایند از جمله رعیت زاب که متفرق
 و اکثری بنجاک دولت علی عثمانیه فرست بودند
 بقدر سیصد چهارصد خانوار آنها را درین روزها
 نو آب معشتری الیه جمیع آوری نموده در زاب
 سکنی داده اند باینکه امورات شهر و بلوکات و
 ایلات و طوایف آنجا از هر سبب کمال انتظام و
 انضباط را دارد و احد بر قدرت و یاری حسابی
 و خلاف قاعده سب و اگر ادو طوایف ایلات که قبلاً از

عربستان

نظم گریزان بودند این اوقات حکمی منتهای تکلیف را دارند
 از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند از
 اسما مات اولیای دولت قاهره و حسن مراد
 و موافقت نواب شاهزاده احتشام الدوله صاحب
 عربستان و کرنتستان و بز و جزیره بختیاری
 امر آن صفحات که غالباً محل ظهور شرارت و فتنه
 و راهزنی اشرا بختیاری بود این اوقات مشتمل
 کمال نظم و انضباط را دارد و احد بر قدرت
 نیست و اگر کاهی سرقت و حجابی بندرت اتفاق
 بیفتد نو آب معشتری البیه مجرد استحضار در مقام
 آن بر می آیند از آنجا که این اوقات یک قبضه تفنگ و
 الت مساحت از منتهای سبب استیاج انجمن
 سوسن جوانی به بیان سرقت شده بود نو آب
 معشتری الیه بعضی استماع فی الفور آدم فرستاده و
 سارقین را گرفته تنبیه کامل از آنها بعمل آورده بودند
 و تفنگ و الت مساحت را از آنها استرداد و نزد
 عالیجاه میرزا بیچ مستوفی برود و کسب خود فرستاده که
 در دارالخلافه طهران بجناب جلالت آتای المظفری مخصوص
 و وزیر مختار دولت بته انجمن سپرده نوشته شده
 بکیرد و تسبیح چند رسیده بود و قاطره که طایفه علی بنی
 را کی از رسید حسن و آقا میرزا نام سبقت برده بودند
 این اوقات نو آب معشتری الیه آدم فرستاده آنها را از
 سارقین گرفته بصاحبانش رسانده بعضی رسیدگی از آنها
 گرفت ارسال داشته بودند

خراسان

از قرار یک روزنامه خراسان نوشته شده بود
 نواب شاهزاده حاتم السلطنه والی مملکت
 خراسان همه روز مشغول دیدن سواران
 خراسانی هستند و بعد از دیدن سواران با حاد
 و افراد سواره مزبور حکم مینماید که اسبهای
 خود را داغ نمایند و آنها نیز حسب حکم همان ساعت
 اسبهای خود را داغ کرده میروند از آنجا
 عبا سقیاخان بیکر یکی سواره درانی را در حضور نواب
 شاهزاده سنان داده بود نواب حسرتی آن
 سواره و اسبهای آنها را پسندیده و قرار داده
 بودند که پنجاه نفر هم غلام جدید اسبهاشان را
 داغ کرده و این سواره و غلام سپرده عالیجاه
 بوده و پیشه در شهر مشهد مقدس حاضر و مشغول
 خدمت باشند

و یکروزنامه خراسان نوشته بودند که بعد
 از آنکه عالیجاه پاشا خان قلعه گزیگت رفتند بود
 انالی قلعه مزبور نزد عالیجاه پاشا آمده اظهار
 مراتب بندگی و اطاعت خود را باندولت قوی
 علیت نموده و خواستش کرده بود که عالیجاه پاشا
 از سمت قلعه آنها کوچنید به بجای دیگر برود
 که از برای انالی قلعه مزبور از بودن او در آنجا و حتی
 حاصل شود عالیجاه پاشا را لیه چون دیده بود که آنها
 از در اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری در آمده
 منول آنها را مقبول داشته بدو فرسخی طرف

بود بعد چند نفر از ریش سفیدان آنجا آمده اظهار
 داشتند بودند که سی چهل نفر سپاه از ماور قلعه طاقان
 میباشند هرگاه از آن سمت عبور کنند احوال
 دارد دست جبارت دراز کنند عالیجاه پاشا
 بعد از شنیدن این سخن عزیمت نمیدانند انالی قلعه
 نموده با آنجا رفتند بودند و نفر از همراهمان او که سبب
 غلبت تشکی بنزدیک قلعه برای تحصیل آب
 رفتند بودند از بالای قلعه بر روی آنها
 تفنگ انداخته بودند عالیجاه پاشا خان چون
 این جبارت را از آنها مشاهده کرده بود همراهمان
 او را جمعیت بدو در قلعه مزبور فرستاده
 ده پانزده نفر از آنها را مقول و بقیه آنها را
 دستگیر ساخته بدست امیر قلعه سپردند
 تصرف کرده بود از قرار یک نوشته بودند قلعه
 مزبور جنسی مضبوط و محکم بوده است

اصفهان

از قرار یک روزنامه اصفهان نوشته شده بود
 امر آنجا از اتهامات اولیای دولت قاهره و
 حسن مراقبت و موافقت و انتظام امر عالیجاه پاشا
 نامت الحکومه کمال انضباط را دارد و مردم قرین کمال
 رفاه و آسودگی هستند و نسبت با عدی خلافت
 قاعده و بختابی اتفاق نمی افتد و عالیجاه پاشا
 در وصول و ایصال بالیات و انتظام و انضباط امر
 آنجا نهایت اهتمام را دارد و مراتب حسن خدمتگذاری او
 بعضی مدتی پادشاهی سید اظهار کمال حمت در باره او فرمودند

۴۵۸

اخبار دول خارجه

از شهر و ایزدجان نشسته بتاریخ سیزدهم شهر شعبان
 نوشته بودند که امپراطور استیس که زوجه اعلیحضرت امپراطور
 روس میباشد در همان روز با آنجا وارد شده
 بود توپ سلام انداخته و شلیک شادمانه نمود
 و اول احترام در آورده بودند و خود رئیس آن مملکت
 با اعیان شهر پیروز امپراطور استیس و احترام او بیرون
 رفته بودند و پیش مطرینج عمارت خودش را که
 نزدیک برو دخانه رین و بسیار جای با صفاست
 و همچنین میانند سیمین اعلیحضرت امپراطور استیس
 ترقیب داده بود
 در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که امپراتوری
 دولت استریه قشون آن ولایت را کم می کنند
 و در سایر اخراجات دولتی نظم تمام میکند از آنکه
 مالیات و داخل آنجا مخارج دولتی را ببینند لکن در
 راه آهن سخته تر و دکال که سجار از برای بار تجارنی و
 ستیاج و غیره بسیار پول خرج میکنند زیرا که سخته
 دولت را درین ملاحظه کرده اند راهی که نسبت به گذشته
 میرفت تمام کرده بودند و همه جای او را صاف و هموار
 نموده بودند که میله های آهن سخته راه کالک در آنجا
 نصب نمایند و تجارت داد و ستد آهن در آن
 مملکت بسیار رواج بود و از مملکتین مانده اویه و وایلاکت
 آهن زیاد بولایت استریه آورده بودند در روزنامه
 سابق نوشته شده بود که دولت استریه بنا
 داشتند که پول از خلق سخته اخراجات دولتی فرض
 عرابه که بجهت بارگشتی است توجیه ندارد و لکن کالک

بکنند و موافق قاعده دول فرنگستان مجتبهای
 این تخواه را حاضر کرده بودند که بر کس از مردم که
 میل داشته باشند پول بدهند و بخرند و این
 این مجتبه را در شهرهای فرنگستان خرید و اندو
 در لندن پای تخت انجلس و پاریس پای تخت فرانسه
 ازین مجتبهها خوب نفروش رفته است و خرید
 در روزنامه وینیه نوشته اند که اعلیحضرت
 امپراطور استریه میخواست از آنجا حرکت نماید
 که برو چند وقت در شهر است بماند و بنا داشت
 که تا دو ماه در مملکت مجارکت نماید
 پادشاه و بیمارک بنا داشت که بیدن پادشاه
 سیویدن برو و در تاریخ بیست و سیم شعبان
 ولایت جنگل روانه می شود پادشاه سیویدن
 بنا داشت که درین فصل تابستان قشون خودش را
 جمع نماید و چند وقت را در وجه مشق نگاه دارد
 درین روزنامه در مملکت فرانسه توجیه دیوان در
 بعضی چیزها که تعلق بدولتند ان دارد نسبت به ان
 از جمله در اسب و کالک و سگ شکاری و غیره
 مدتی است که در ولایت انجلس این قسم توجیه
 دارند و میکنند و لکن در مملکت فرانسه قواری است
 که تازه گذاشته اند این توجیه را بطوری میکنند که
 از رعایا و کسانی که کاسب اند چیزی گرفته نشود
 عرابه که بجهت بارگشتی است توجیه ندارد و لکن کالک

۴۵۹

که بجهت نشین بزرگان است توجیه دارد از
 اسبهای رعایا که بجهت شغل خودشان و بارکشی
 و غیره لازم دارند و از سک چوپان چیزی نگذردند
 و لکن از اسبهای بزرگان و تازی و توله شکاری
 توجیه بگیرند پیش از اینهم در ولایت فرانسه
 این توجیه را بندگان آنها منفعت نکرد و موقوف نمودند
 و حالاهم از طوریکه در بعضی روزنامه‌های نویسنده
 کمان ندارند که دیوان ازین توجیه منفعت برد
 کسانی که ازین اسبها یا کالسکه یا سک شکاری
 داشته باشند که از آنها توجیه بتوان گرفت
 در مملکت فرانسه کم اند مانند ولایت انگلیس
 که خوانین دولت مند و صاحب املاک زیاد داشته
 و قشکیکه اخراجات حسیح کردن این توجیه را باخوا
 عمل و نوکرهای دیوان و غیره که مواظب این عمل اند
 می کنند کمان ندارند که این قسم توجیه بس منفعت
 داشته باشد

استریه که در دولت مینکی دنیای شمالی توفیق
 داشت میان دولتیسین بزبور را رسم زده بود
 بجهت اینکه اهل مینکی دنیا بسود نامی که یکی از
 هزار بیسای مجار بود محبت و طرهداری زیاد کرده
 بودند و ضرب زیاد از دولت استریه گرفته بودند
 هم در روزنامه‌ها رسم در گفتگونی که در مشورخانه
 دولتی کرده بودند و بآب روزنامه‌ها چونکه در آن
 ولایت قاعده ازادی دارند از دیوان بازخواست
 نمی شود که داتا از انمای دولت آنجا که ضرب دولت
 استریه را گرفته بودند ایچی حق بازخواست را
 داشت و بانمای دولت مینکی دنیا خبر کرده بود
 که ما از شما کناره گرفته ایم و رجوعی بجار شما
 نداریم و اگر کار واجبی بدولت ما داشته باشد
 بقول رسول پاک در شهر و استرین تن میباید عطا

نامند
 احوالات متفرقه

از شهر کلون بتاریخ چهارم شعبان نوشته
 بودند که درین فصل باستان پادشاه پرتغاله
 بنا داشت که در کنار رودخانه رین سیاحت
 کند که هم تاشای قشون آن اطراف را کرده
 و خود وقت و غوررسی و نظم و سایر امورات
 آنها کرده باشد و هم بنای ساختن پل را که در
 رودخانه رین میخواید بسازد بگذارد که پل فرورسا
 شود
 و در یکی از روزنامه‌های انگلیس نوشته اند که ایچی امیر الطور

در روزنامه انگلیس نوشته اند که بجهت کندی و
 ارد کندم زیاد که از مینکی دنیا و فرانسه ولایت
 انگلیس آورده بودند قیمت نان در شهر لندن
 پای تخت انگلیس کمی تنزل کرده و از نان شده بود
 نان خاصه اعلی چهار توند که سیصد و شتاد و چها
 مشقال باشد بیارده شاهی و نیم فروخت شده
 بود و نان خرچی را بهین وزن بدو عباسی فروخته اند
 که تخمیناً یک من بوزن شت عباسی سیزده شاهی
 و نیم پول ایران می کنند

از جمله حیوانات غریبه که در میان دریا پیدا میشود یکی
از قسم سگ آبی است که گاه نگاه بسیار بزرگ
پیدای شود و درین روزها کشتی که از سمت بحر
محیط معتدل بولایت انگلیس وارد شده بود یکی
از اینها شکار کرده بود و رازی این حیوان پنج درخت
و یک چار یک بوده است و وزنش تخمیناً
صد و اربعه پونز بالاتر پونز اکنه اند و در عمارتی که
چیزهای غریبه را در آنجا نگاه میدارند نگاه میدارند
درین روزها در کشتی سازخانه و قورخانه پورشس
ولایت انگلیس آتش افتاده بود و کسبکیان و مردان
و بیکر که در آنجا بودند زود خبردار شدند و آتش را
خاموش کردند و الا ضرر زیاد با آنجا میرسد
آنجا قیر زیاد بجهت طنابهای کشتی و تحت
کشتی مصرف می کنند یک و یک بزرگ که قیر
در او می چسبند ترکیده و میان آتش افتاده
از آنجا بجای دیگر جاری شده بود پنج نفر غلکه که در آنجا
بودند رفتند و طولی بجهت پاشیدن آب
با آنجا آورده و زود آب پاشید آتش را خاموش
کردند و چون قنبر زیاد در آنجا داشتند همیشه
گرفته و سوختند و بعد چهار هزار توپان ضرر
سیده بود و اگر زود آتش را خاموش کرده
بودند خیلی زیاد تر از این ضرر خسارت با آنجا
از وقتیکه اهل مملکت کنگو با اهل سینکی دنیای شمالی
جنگ داشتند و بعضی از ممالک ایشان از دست

بیرون رفتند و بدست اهل سینکی دنیای شمالی
افتاد و اینست خصوصه مملکت کلی قازینا که بعد از
از تصرف آنها بیرون رفت است اینقدر طلای فراوان
در آنجا پیدا شده است کار آنولایت روز بروز
تیز می کنند قاعده این ولایت قاعده جمهوری است
و تا مدت معین یکی از میان خودشان بریاست
آنولایت انتخاب میکنند و درین روزها نیز در پایتخت
تحت آنها آتشا شش شده و با یکدیگر جنگ کرده
تفصیل این جنگ را در روزنامه ننوشتند
از طوری که مذکور می شود خلق دو تیره شده اند و با
یکدیگر جنگ می کنند در خصوص اینکه گرا باید بزرگ
اندولت نمایند

در ولایت انگلیس درین روزها از شهر مختر کشتی
هوایی که بلون مینامند بالا کرده بودند و یک نفر در
میانش نشسته بود که از راه بلون بلون در شش
نزد است و تا آنروز تنها در بلون نشسته بود همیشه
همراه دیگری در بلون می نشسته و قتی که بلون را
بالا کرده بودند هوا بسیار آبر بوده و باران می آمده
و در فرسخ راه رفتند و میخواستند است پائین
نفت که در بلونها دارند و ترکیب چکال است
انداخته بود که در زمین پخیزی بند نمود و بلون همیشه
پائین بیاید چو گمان است که ماسکوستان بود
این چکال درست بزین بند شده بود چند بار گیر کرده
و باز کنده شده بود بار شدت داشت و بلون
خیلی حرکت کرد و اهل دماغی که در آن سمت بودند

۴۶۱

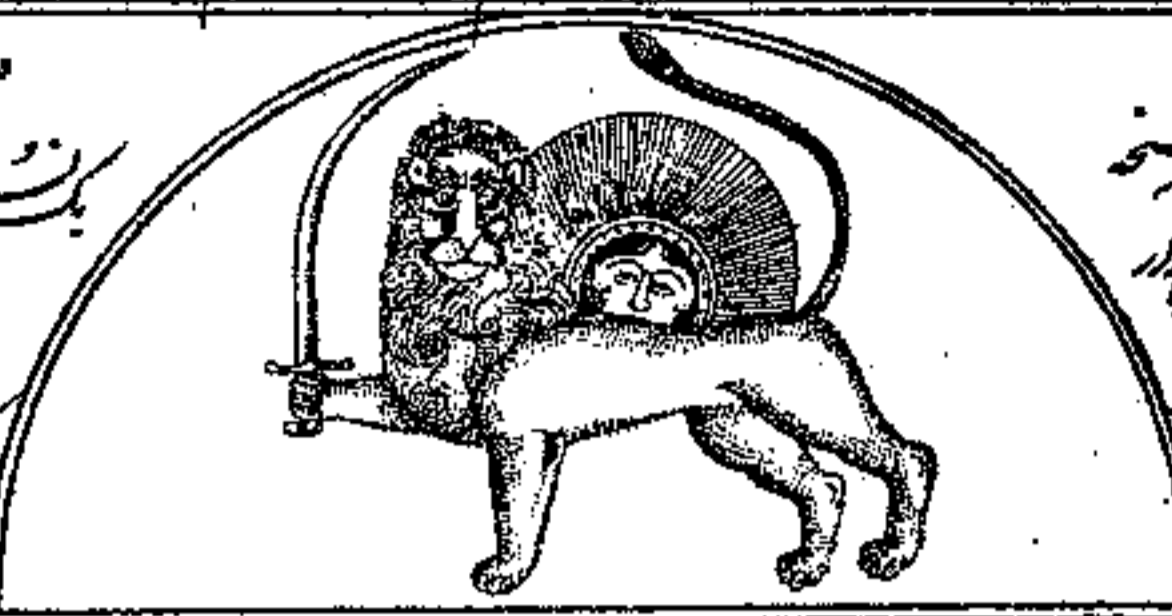
که بلون میرود و خواسته بودند با دبیایند
 اما چون تند میرفت و هوا نیز آبرو تیره بود زود از
 آنها ناپدید شده و نتوانستند بودند با و برسند
 بعد محسوم شده بود که بلون با نظور که حرکت میسکرده
 آن شخص که در میانش بود بیرون افتاده اما پیش
 بیان طنابهای بلون افتاده بند شده بود و سرش بلون
 که در آن سستها بوده بکرات خورده بود شدت ضرر
 که مغزشش بیرون ریخت بود و بلون زمین نریز
 شده باز همانطور در حرکت بوده و این شخص معطل چند
 دقیقه سرش بزمن خورده و بجای خورد کردیده
 بود وقتیکه مردم جمع شده و بلون را گرفته بودند
 آن شخص را بحالت احتضار و اختصار دیدند کی جان
 حرکت داشت است اما همان ساعت درگذشت
 از ولایت انگلیس بسیاری از صنعت کاران بولای
 استرالیایا میروند خصوصاً آنرا سال با فان ملک اسکاتلند
 و چونکه اکثر این مردم که میروند هم از صنایع شال با
 و ماهوت باقی هم از علم زراعت و رعیتی سرشته
 دارند مکان دارند که در آن ولایت کارشان خویش
 برود و خصوصه حالاکه جنبلی لازم است که مردم زیاد
 با آنجا بروند از اطراف دنیا نیز خلق بجهت در آوردن
 طلا از معدن با تجارتند و مردمی نیز که در خود آن ولایت
 بوده اند همه بسر معدن طلا ریخته اند که طلا در بسیار
 بطوریکه بجهت زراعت با ~~بر کارهای رعیتی~~ چند آن
 نمانده است در آنجا صاحبان املاک کله و کاو و کوسفند

۴۶۲

زیاد دارند چو پانها و کله با نمانند که ریخته و رفته اند
 مشغول در آوردن طلا شده اند در بعضی جاها که قضا
 شهر نیز که نو کرده اند میکنند بسر معدن طلا ریخته
 ازین جهت اگر کسی از قسم صنعت کاران در عایا بولای
 بروند بجهت نبودن صنعت کار و زراعت در آنجا کارشان
 خوب و کدرانشان بطور خوش خواهد شد و در وقت
 انگلیس یک شغل عمده کارخانهای باطن شال باهوت
 و سایر شبینه است و بسیار ازین قسم از ملک استرالیایا
 می آید درین اوقات که صنعت کاران زیاد بولای
 میروند و بعضی از صاحبان کارخانها در ولایت
 انگلیس تسلیش کرده اند که بجهت بیابان شال باهوت
 استرالیایا کارخانهاشان در ولایت انگلیس نخواهد
 بود و علت عرضیه نوشته اند که رعیت و صنعت کاران
 بولایت بفرستند که کار آن ولایت خوب پیش برود
 و بجهت پیدا شدن طلای معدن و از وجام مردم با آنجا
 امر زراعت و تجارت آنجا معطل نماند و ضرر آن بدیکران
 تجارت شدن بسیار پول طلا ملک استرالیایا
 سبب اینست که خاک طلا از آنجا روان بیرون می آید
 و طلای مستوک بسیار کم است تجاری انگلیس در آنجا
 پول مستوک بولایت و خریدن خاک طلا از آنجا
 ملاحظه کرده اند که نزدیک دیده دو از برای آنها نفع
 باین سبب طلای مستوک بسیار بولایت استرالیایا
 میفرستند و خوشش خاک طلا بخرند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۹ شهریور ماه شوال المکرم مطابق سال سیچان ۱۳۰۳

قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلام است
یک ساله
بیشتر



نزدیکت و غلبه
بهر در در ان
لین و زمانه
بهر در در ان
بهر در در ان

اخبار و احداثیه مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از قراریکه از ارزنده الرؤم خبر رسید جناب جلالت
احمد و قیافتندی ایچی کبیر دولت فخریه عثمانیه
مأمور در بار دولت علیه ایران در بیچده ماه
از شهر ارزنده الرؤم رو بدر بار این دولت علیت
روان شده و عالیجاه محبت و سجدت سراسر
میرزا حسن کارپرداز دولت علیه ایران مقیم شهر
ارزنده الرؤم در استقبال و دیدن و بدر فدا
زیاد نسبت بجناب مغزی الیه لازمه اهتمام بعمل
آورده است و از جانب نواب شاهزاده خیر الله
صاحب اختیار مملکت آذربایجان مقرب اخبار
جعفر قلیخان سرنوب قاجار بهمانداری جناب
مشار الیه مأمور سردر حد دولتین علیتین شده
و از دربار کبیرتی دار بوجیب امر اقدس علیحضرت
پادشاهی حسب اشاره اولیای دولت
ابدعت علیه عالیجاه مقربت بحضرة انخافانیه
محمد حسن خان نایب الشیخ قاسمی باشی که از

قدیمی چاکران در بار جاوید قرار مایون و بصفت
قابلیت و لیاقت موصوفت و معروف است
بهمانداری مأمور و نقدن شد که کمال احترام و توقیر
و تکریم را در باره جناب سفیر مشار الیه نظریا
کمال استخا و دولتین علمیتین اسلام همه جهت
بعل آورد و عالیجاه معاند مشار الیه در روز چهارم
این ماه از سبلاقیان و ران حرکت کرده و متجهل
روان شد و مقرر است که قبل از ورود ایچی مقرب
عالیجاه مشار الیه در استخا حاضر باشد و در
کاغذ اخر که از تبریز رسید که بتاریخ
سیم شوال نوشته بودند جناب ایچی مغزی
باید در همان روز سیم شوال وارد خوبی شده باشد
اگر چه در دربار مایون خدمات عمده و کلیت
بعده امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار
مخول و معوض بود لکن نظر باینکه کران در سر حد
بلوچستان و ترکستان واقع است و خدمت

۱۶۳

استقام آنجا از خدمات معظم کلمه است لهذا اعلی حضرت
 شاهنشاهی حکومت کرمان را هم علاوه بجاوست یزد که
 داشت بعد از انحول و مرجوع فرموده بکثوب
 جبه تر شد مرصع معلم بپراق خلعت بر حمت فرمود
 و خود او در عین روز ما خواهد رفت
 حسین خان پسر کوچک مقرب انخاقان اجدان با
 که مدتی بود ناخوشش بود این اوقات فاش با
 و جناب جلالت آب صدر اعظم محض
 اعزاز و احترام مقرب انخاقان شارالیه بنای قاضی
 خوانی و تعزیه داری او را در منزل خود در ساوران
 گذارده سه روز در مجلس ترخیم نشسته و قرار
 قرائت و تلاوت کلام اله مجید کرده لوازیم
 حرمت از جهت اخراجات و سایر خیرات
 بجا آورده در روز ششم بکثوب جبه از جانب
 سنی ایوان اعلی حضرت پادشاهی مقرب انخاقان
 شارالیه حمت گردید مجلس تعزیه داری را
 برچسبند و سخن اینطور التفات و مهربانی
 الی حال در حق هیچیک از جا کران پادشاهان
 سلف نشد بلکه در حق مقرب انخاقان شارالیه
 از دسته اربکه مذکور می شود این روزنامه را در
 ولایات چاپاریا فراسش که بصاحبانشان
 علاوه بر قیمت روزنامه مطابیده وجه رسوم و خزینه
 می نمایند و بخلق اذیت زیاد می رسانند
 چون این معنی سبب رنجش صاحبان روزنامه
 و بی میلی خلق بر روزنامه میشود و منظور اعلی حضرت

پادشاهی و اولیای دولت قاهرین است
 که اخبار روزنامه روز بروز بیشتر در ممالک
 محروسه منتشر شود و مردم خلق از فوائد آن
 آن بهره یاب شده زیادتر طالب روزنامه
 بشوند لهذا مراتب بعرض اولیای دولت قاهره
 رسیده مقرر داشتند که اگر از استخاصی که این
 روزنامه با آنها میرسد زیادتر از قیمت روزنامه
 که از قرائت قبض میباشد روزنامه شش ماهه در پناه
 میشود و دیناری مطالبه شود و دیوان
 عظام مواخذه از کسانی که مطالبه کرده اند
 و کسانی که میباشد تقیم روزنامه در ولایات
 مستند خوانند نمود و حکام ممالک محروسه بر
 حکم اولیای دولت قاهره مقرر است که درین
 باب قدغن نمایند که زیاده از قیمت روزنامه
 از کسی دیناری مطالبه نشود
 چون مدت توقف عالیه محبت و بخت نیاید
 مقرب انخاقان العلی احمد خان نوانی کار پرداز
 اول دولت علیه ایران مفیم تقییس منقضی شده و
 احضار خود را از اولیای دولت قاهره بستمی
 کردید لهذا عالیه محبت و بخت سراسر انخاقان
 قاسم خان علام مشیخت مست خاصه که از جمله نوکران
 عاقل و قابل دربار حایون و باوصاف دست کاری
 موصوف میباشد حسب الامراه سس حایون ان
 پادشاهی بنصب کار پرداز می اول منصوب و
 نامور با قامت تقییس شده بتاریخ هفتم ماه

۱۶۸